

..... واژه‌شناسی

مهدی عبداللهی

محقق و نویسنده

نصیحت

برخی واژگان عربی که در پارسی استفاده می‌شوند در معنایی غیر از معنای اصلی به کار می‌روند و این امر موجب اشتباه در ترجمه برای بسیاری از افراد می‌شود. مثلاً واژه «مَلَّة» در زبان تازی به معنای شریعت است. فَأَتَّبِعُوا مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا (آل عمران: ۹۵) دیناً قِیماً مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا (انعام: ۱۶۱) در حالی که همین واژه در پارسی به معنی «مردم» به کار می‌رود وقتی گفته می‌شود: مَلَّتِ ایران یعنی مردم ایران، و لفظ معادل آن در عربی «شعب» و «أُمَّت» است نه «ملت». یا کلمه «تقویم» که در عربی به معنی محکم کردن یا تعیین قیمت است در فارسی به معنی روزشمار به کار می‌رود و شگفت این که برخی عربها از واژه فارسی «روزنامه» در این مورد استفاده می‌کنند.

از جمله الفاظ عربی که در فارسی به کار می‌رود ولیکن مفهوم فارسی آن با مفهوم اصلی متفاوت است کلمه «نُصِیح» و «نصیحت» است. که در عربی به معنی خلوص و خیرخواهی در مقابل «غِش» است، گرچه در برخی موارد به معنای پند و اندرز هم به عنوان مصداقی از خیرخواهی به کار رود. اما در زبان پارسی این واژه به معنای پند و اندرز استعمال می‌شود که مرادف عربی آن «موعظه و تذکر» است نه «نصیحت».

در لسان العرب چنین آورده: «النصح: نقيض الغش» و ابن اثیر در النهایه گفته: «اصل

النصح فی اللّغة الخلوص.»

مشتقات واژه «نصح» در ۱۰ آیه از قرآن مجید آمده است که عبارتند از: آیات ۲۱، ۶۳، ۶۸، ۷۹ و ۹۳ سوره اعراف، ۹۱ سوره توبه، ۳۴ سوره هود، ۱۱ سوره یوسف، ۱۲ و ۲۰ سوره قصص. می‌شود گفت که در همه این موارد به همان معنای اصلی یعنی خیرخواهی در مقابل غش (نیرنگ و نادرستی) به کار رفته است. البته برخی از این موارد مثل ۹۱ توبه: إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ نَمِي شُود به معنای پند و اندرز باشد برخی موارد هم بسیار روشن است که به همان معنای خیرخواهی است مثل ۱۱ سوره یوسف: يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ. و ۱۲ سوره قصص هل أدلكم علىٰ أهل بيت يكفلونه و هم له ناصحون و نیز ۲۰ همان سوره: فَاخْرَجَ إِيَّيْكَ مِنَ النَّاصِحِينَ. که آن مرد مصری به حضرت موسی گفت از شهر بیرون برو که از خیرخواهان تو هستم.

در صحیفه سجادیه نیز ۶ مورد واژه نصح و مشتقات آن به شرح ذیل به کار رفته است.

۱. وَ سَدَدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّيْنِي بِالنُّصْحِ. (دعای ۲۰)

و مرا آنچنان به راه ثواب دار که هر کس با من غش و خیانت می‌کند با او به نصح و خیرخواهی معارضه کنم.

۲. وَاجْعَلْهُمُ (الاولاد) ابراراً... و لا وليائك محبين ناصحين. (دعای ۲۵)

فرزندانمان را نیکوکار و دوستار و خیرخواه اولیایت قرار ده.

۳. وَ هِدَايَةِ مَسْتَرِشْدِهِمْ وَ مَنَاصِحَةِ مَسْتَشِيرِهِمْ. (دعای ۲۶)

همسایگانمان را در راهنمایی کسانی که خواهان هدایتند و خیرخواهی نسبت به کسانی که مشورت می‌کنند موفق بفرما.

۴. وَ أَمْرَتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ هَا. (دعای ۶)

و پیامبر (ص) را فرمان خیرخواهی و نصیحت به امتش را دادی و او نسبت به همه خیرخواهی نمود.

۵. وَ صَدَّعَ بِأَمْرِكَ وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ. (دعای ۴۲)

امر تو را آشکار و بندگانت را نصیحت و خیرخواهی کرد.

۶. اَللّٰهُمَّ اجْزِهْ بِمَا بَلَغَ مِنْ رَسَالَتِكَ وَ اُدِّيْ مِنْ آيَاتِكَ وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ. (دعای ۴۲)

بار خدایا به خاطر ابلاغ پیامهایت و رساندن آیاتت و خیرخواهی نسبت به بندگانت، محمد صلی الله علیه و آله را پاداش ده.

در سه مورد اول مفهوم خیرخواهی بسیار روشن است و الفاظ به غیر این معنی قابل حمل نیستند سه مورد دیگر نیز درباره حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله و خیرخواهی آن حضرت نسبت به امت است گرچه می شود به معنی پند و موعظه نیز گرفت. در زبان روایات هم در بسیاری از موارد «نصیحت» به معنای اصلی یعنی خیرخواهی استعمال شده است. به عنوان نمونه به سه حدیث ذیل توجه کنید:

۱. نبی اکرم صلی الله علیه وآله: مَنْ يَضْمِنُ لِي حَسّاً أَضْمِنُ لَهُ الْجَنَّةَ: النَّصِيحَةُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالنَّصِيحَةُ لِرَسُولِهِ وَالنَّصِيحَةُ لِكِتَابِ اللَّهِ وَالنَّصِيحَةُ لِدِينِ اللَّهِ وَالنَّصِيحَةُ لِمَجْمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ.
(میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۵۵)

هر کس پنج چیز را برای من ضمانت کند منهم بهشت را برای او ضمانت می کنم:

خلوص نسبت به خدای عزوجل

خیرخواهی برای پیامبرش

خیرخواهی نسبت به کتاب خدا

خیرخواهی نسبت به دین خدا

و خیرخواهی برای جماعت مسلمانان.

- ابن اثیر در النهایة گفته: منظور النصیحة لله اعتقاد به وحدانیت خداوند و اخلاص در عبادت او و مقصود از النصیحة لرسوله تصدیق به رسالت پیامبر و پیروی از امر و نهی او و مراد از النصیحة لکتاب الله تصدیق کتاب و عمل به دستوراتش می باشد.

۲. امام علی علیه السلام: أَمَّا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَاَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ... وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغْيِبِ. (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)

ای مردم! من برعهده شما حقی دارم؛ شما نیز برعهده من حقی دارید اما حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم... و اما حق من بر شما این است که به بیعت خود وفا کنید و در ظاهر و باطن خیرخواه باشید.

۳. امام صادق علیه السلام: يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغْيِبِ.
(میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۵۵)

لازم است که مؤمن نسبت به مؤمن در ظاهر و باطن خیرخواه باشد.

لازم به یادآوری است نصیحت مؤمن نسبت به مؤمن انواع خیرخواهی از جمله پند و اندرز را شامل می‌شود علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در این باره می‌فرماید:

منظور از نصیحت مؤمن نسبت به مؤمن این است که او را به مصالح دین و دنیایش راهنمایی کند، اگر جاهل است آموزش دهد، اگر غافل است آگاه کند، اگر ضعیف است از او و آبرویش دفاع کند، او را در کوچکی و بزرگی احترام نموده بزرگ بشمارد، نسبت به او حسد نورزیده نیرنگ به کار نبرد، ضرر و زیان را از او بازداشته و منافع را به سویش جلب کند. اگر پند او را نپذیرفت ملایمت به خرج دهد تا بپذیرد، اگر اندرز او درباره امور دینی است از راه امر به معروف و نهی از منکر وارد شود، امر به معروف و نهی از منکر صحیح و مشروع، (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۵۷)

نتیجه: واژه «نُصح» و «نصیحت» در اصل به معنای خلوص و خیرخواهی است، در معنای پند و اندرز هم که از مصادیق خیرخواهی است کاربرد دارد، از این رو در ترجمه آن دقت لازم است تا همه موارد به مفهوم پند و موعظه تلقی نگردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی